

مثل سیب

آرمان آورده بود
گوشی اش را در کلاس
عکس می انداختند
بچه ها با التماس

من نرفتم پیش او
چون که گوشی داشتم
حیف آن را توی کیف
یا کمد نگذاشتم

گوشی ام افتاده است
در حیاط و زیر پا
رفت و آمد می کند
گوشی ام را جابه جا

مثل یک گنجشک که
می کند هی جیک جیک
عکس می گیرد مدام
با صدای چیک چیک

خنده هاماں مثل سیب
عکس مان رویایی است
گوشی لمسی من
لنگه دمپایی است



حسین نقیب

ندبه محمدی

